

گسترده است و ثبت نام بیش از ۱۴ هزار نفر برای ۲۹۰ کرسی یکی از بهانه‌های موجه آن. کما اینکه با وجود همه انتقاداتی که رویکرد همیشگی شورای نگهبان درباره صلاحیت‌ها برانگیخته حتی همین حد هم برای طیفی از چهره‌های سیاسی و نظامی کشور پسندیده نبود و همچون محمد علی جعفری فرمانده سابق سپاه پاسداران خواستار سختگیری بیشتر شورای نگهبان و دقت در مبنای فکری داوطلبان شدند.

در مورد صلاحیت اصلاح طلبان نام آشنا، عاقبت شرط گذاری اصلاح طلبان و ثمربخشی رایزنی هایشان گرچه باید تا اعلام اسامی تأیید شدگان انتخابات در اواخر ماه دی صبر کرد. اما تا این جای کار سخنگوی شورای نگهبان آب پاکی را روی دست همه طرف‌ها ریخته است و در پاسخ به توصیه‌ها برای رد تأیید صلاحیت داوطلبان گفته: «اگر مقصود از این توصیه‌ها رعایت موازین قانونی باشد، اشکالی ندارد، در غیر این صورت انتظار نداشته باشند شورای نگهبان برای خشنودی افراد، حقوق داوطلبان را نادیده انگارد.»

■ تلاش برای احیای سرمایه اجتماعی

با این همه اصلاح طلبان می‌دانند که در این دوره نظر شورای نگهبان

۳۰ نفر فهرست انتخاباتی شان در تهران و اکثریت فهرست‌شان در برخی کلانشهرهای دیگر را با شعار «امید» و اسم رمز «تکرار» وارد مجلس کنند، از ابتدای راه انتخابات مجلس یازدهم اعلام کردند که نمی‌خواهند یک بار دیگر تکرارگر آن تجربه نامیدکننده باشند. ناچار شدن به استفاده از نیروهای صف چپ و ائتلاف با طیفی از اصولگرایان میانه رو که بسیاری شان پس از پیروزی راه خود را جدا کردند و به فراکسیون رقیب پیوستند یا اعلام استقلال کردند؛ وضعیتی بود که سبب شد اصلاح طلبان بر ضرورت تأیید صلاحیت نیروهای کیفی ترشان تأکید کنند و از حضور مشروط در انتخابات سخن بگویند. این ایده اول بار از سوی سعید حجاریان با حداکثری ترین تعبیر ممکن مطرح شد اما در بحث‌ها و چانه‌زنی‌های درونی اصلاح طلبان به حداقلی ترین رویکرد رسید؛ اینکه اصلاح طلبان انتخابات را تحریم نمی‌کنند اما در حوزه‌هایی که بار صلاحیت نامزدهای مطلوب خود مواجه باشند فهرست نمی‌دهند. به عبارتی آنها از موضعی که نوعی شرط گذاری برای شورای نگهبان تعبیر می‌شد به شرط گذاشتن برای خودشان رسیدند. زیرا بسیاری همچون محسن رهامی معتقد بودند که کسی با انفعال، خانه نشینی و قهر کردن برای اصلاح طلبان فرش قرمز پهن نمی‌کند و

می‌گفتند «رقیب از خدایش است که ما قهر کنیم بنابراین موافق نیستیم که اگر صد درصد خواسته‌های ما محقق نشد، در انتخابات شرکت نکرده و رأی ندهیم.»

نگرانی اصولگرایان روی

وحدت داشتن و ارائه

فهرست واحد متمرکز است

و اعتدال گرایان جریانی نوپا

هستند و ناگزیر از ائتلاف با

این یا آن رقیب؛ گربه سیاه

اصلاح طلب‌ها سال‌ها است

در تأیید صلاحیت‌هاشان

رخ نموده. اما اینکه مشکل

مشترک هر سه جریان کاهش

سرمایه اجتماعی است،

گزاره‌ای است که این رقبا

نگاه یکسانی نسبت به آن

ندارند

واکنش شورای نگهبان از آغاز این بحث تا این لحظه اما نشان داد که مرغ این شورا همچنان روی یک پا ایستاده است. عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در بدو امر به موضعگیری‌های اصلاح طلبان این گونه پاسخ داد که «تنها راهکار برای برگزاری انتخابات سالم و با مشارکت فراگیر، تبعیت از قانون است، نه فرافکنی و باجگیری با اتهام زدن به نهادهای قانون اساسی.»

پاسخی که عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح طلب آن را نعل وارونه زدن دانست و بیادآوری اینکه «اصلی‌ترین خواست منتقدان شورای نگهبان اجرای غیرسلیقه‌ای قانون است»، گفت: «مشارکت بالای مردم در انتخابات مجلس یازدهم منوط به حصول تغییراتی است که مردم را امیدوار کند می‌توانند مجلسی چون

مجالس اولیه و نه هفتم به بعد شکل دهند، حال اگر می‌خواهند اسم آن را باجگیری یا هر چیز دیگری بگذارند اهمیتی در اصل قضیه ندارد، آنچه به مردم داده شود باج نیست حق آنان است.»

فارغ از اینکه ماجرای مشارکت مشروط (به هر معنی) نقطه بروز بخشی از اختلاف نظرهای درونی اصلاح طلبان شد؛ این جریان سیاسی که در ابتدا برای رفع مشکل به رایزنی‌های دولت با شورای نگهبان و تأکید مقامات مسئول وزارت کشور بر ضرورت نگاه انبساطی به تأیید صلاحیت‌ها و فراهم کردن زمینه برگزاری انتخابات رقابتی دل خوش داشت، در هفته‌های گذشته خودش آستین بالا زد و در خواست برای رایزنی‌های رودررو با مقام‌های شورای نگهبان را در دستور کار قرار داد. دیدار صادق خرازی دبیرکل حزب ندای ایرانیان و اعضای حزبش با کدخدایی و به نحوی دیدارهای جداگانه محمد رضا عارف و مجید انصاری با حقوقدانان شورای نگهبان از جمله همین اقدامات بود. رایزنی‌هایی که شورای نگهبان در خلال آنها فساد اخلاقی، فساد اقتصادی و ضدیت با حاکمیت را در زمره دلایل خود برای رد صلاحیت معرفی کرد و اصلاح طلبانی که خود را از این اتهامات مبری می‌دانستند نتیجه دیدار را امیدوارکننده ارزیابی کردند. با این حال گویا شورای نگهبان خود اطمینان دارد که همچنان تحت اتهام رد صلاحیت



درباره صلاحیت نامزدهای اصلاح طلب تنها مانع انتخاباتی شان نیست. سرمایه اجتماعی، میزان تمایل مردم به مشارکت سیاسی و حضور در صف رأی دهندگان و ارائه فهرست قابل دفاع هم مسائلی هستند که نیاز به چاره‌جویی دارند.

با این حال طبیعتاً قدم اولشان این بود که دلایل ریزش سرمایه اجتماعی شان را جست‌وجو کنند. ناکامی‌های دولتی که اصلاح طلب‌ها در هر دو دوره حامی‌اش بودند، عملکرد مورد انتقاد نمایندگان این جریان در مجلس و شورا و تعلل رهبران و رؤسای ساختار تشکیلاتی شان در اتخاذ موضع مؤثر و بموقع در برابر رویدادها و سیاستگذاری‌های مهم کشور خلاصه دلایلی بود که در این میانه مطرح شد و صف‌بندی‌های پید و پنهانی را بروز داد. این نقطه عطفی بود که سبب شد اصلاح طلبان در نقدی درونی بر ضرورت بازسازی و تغییر گفتمانی خود تأکید کنند.

نقطه پررنگ بروز این اختلاف داخلی موضعگیری‌های غلامحسین کرباسچی دبیرکل حزب کارگزاران (طیف راست اصلاح طلبان) بود که جریان اصلاحات را فاقد رهبری دانست و تندترین انتقادات را علیه محمدرضا عارف رئیس شورای سیاستگذاری اصلاح طلبان مطرح کرد. با این حال دیگر اعضای این حزب همچون حسین مرعشی سخنگوی